

بشارات پیامبران به موعود و شریعتی جهانی

اما وجه مشترکی که بین جمیع پیامبران وجود دارد این است که کل وعده و بشارت به ظهور موعودی جهانی داده اند که عدالت و سعادت را در بین همه اهل عالم برقرار نماید و صلح و سازش و رفاه و آسایش برای مردم فراهم کند. حضرت موسی در سفر تثئیه (۱) چنین بشارت داده است:

" و این است برکتی که موسی مرد خدا قبل از وفاتش به بنی اسرائیل برکت داده گفت: " یهوه از سینا آمد و از سعیر بر ایشان طلوع نمود و از جبل فاران درخشان گردید و با کروورهای مقدسین آمد و از دست راست او برای ایشان شریعت آتشین (۲) پدید آمد"

آمدن از سینا اشاره به خود حضرت موسی است و از سعیر حضرت مسیح و از فاران حضرت محمد و با کروورهای مقدسین و شریعت آتشین ظهور حضرت بهاء الله است و مقصود از آمدن یهوه مظهر ظهور الهی و فرستاده خداست. ظهور حضرت باب و حضرت بهاء الله ظهور واحد است و اشعیای نبی چنین بشارت داده است:

" در ایام آخر واقع خواهد شد که کوه خانه خداوند بر قله کوه ها ثابت خواهد شد و فوق تل ها برافراشته خواهد گردید و جمیع امت ها به سوی آن روان خواهند شد و قوم های بسیار عزیمت کرده خواهند گفت: بیائید تا به کوه خداوند و به خانه خدای یعقوب برائیم تا طریق های خویش را به ما تعلیم دهد و به راه های وی سلوک نمائیم زیرا که شریعت از صهیون و کلام خداوند از اورشلیم صادر خواهد شد و او امت ها را داوری خواهد نمود و قوم های بسیار را آگاه خواهد نمود و ایشان شمشیر

۲- شریعت آتشین، کنایه از نور و روشنائی و گرمی محبت و اتحاد است.

۱- تورات سفر تثئیه ۳۳/۲۱

هاي خود را براي گاو آهن و نيزه هاي خويش را براي
ازه ها خواهند شكست و امتي بر امتي شمشير خواهد كشيد
و بار ديگر جنگ را نخواهند آموخت. اي خاندان يعقوب
بياييد تا در نور خداوند سلوك نمائيم". (۱)

نور خداوند ترجمه كلمه بهاء الله است. و كوه خداوند، كوه كرمل، كه اکنون هر
هفته صدها زائر و جهانگرد از اطراف و اكناف عالم به آنجا رهسپارند.
يكي از اصول ديانت حضرت بهاء الله صلح عمومي و نهي از جنگ است. اگر چه
انبياي گذشته از جنگ مذمت و از صلح تمجيد کرده اند، مثلاً حضرت مسيح
فرمود:

"خوشا بحال صلح كنندگان زيرا ايشان پسران خدا
خوانده خواهند شد" (۲).

و در قرآن مي فرمايد: "ادخلو في السلم كافة" (۳) "ولا تنازعوا" (۴)

ولي با وجود اين توصيه ها براي صلح، نه تنها از جنگ صريحاً نهي نشده بلكه در
بسياري از مواقع مومنين به جنگ و كشتار تشويق شده اند. براي مثال ايه ۲۱۲-۲۱۳
سوره بقره ذكر ميشود: "كتب عليكم القتال و هو كره لكم و عصي ان
تكرهوا شيئ و هو خير لكم" يعني نوشته و واجب شد بر شما جنگيدن و
كشتار و آن بر شما دشوار آمد و بسا كه چيزي بر شما دشوار آيد او براي شما خير
است.

تمام ايام گذشته، هم مسيحيان و هم مسلمانان، فرقه هاي مختلف از دين واحد
بوجود آوردند و به جنگ و كشتار پرداختند كه هنوز ادامه دارد و پايان نخواهد
پذيرفت مگر پيروان اين اديان به شريعت جديد الهی مومن گردند و امر بديع
خداوند يعني ديانت بهائي را پيروي نمايند.

۳- قرآن ۲/۲۰۴ يعني: همه در صلح داخل شود.

۲- انجيل متی ۵/۹

۱- تورات، اشعيا ۲/۱۵

۴- ايضاً ۸/۴۸ يعني: نزاع نكنيد

در بشارتی دیگر اشعیای نبی چنین نبوت می فرماید:

" و نهالی از تنه یسی بیرون آمده شاخه ای از ریشه هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت ، یعنی روح حکمت و روح فهم و روح مشورت و قوّت و روح معرفت و ترس از خداوند مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود و جهان را به عصای دهان خویش زده شیران را به نفخه لبهای خود خواهد کشت. (۱) و کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت ، و گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری با هم و طفل کوچک آنها را خواهد راند و گاو با خرس خواهد چرید و بچه های آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد و طفل شیرخوار بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل از شیر باز داشته شده دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت (۲) و در تمامی کوه مقدس من ضرر و فساد خواهد کرد زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود مثل آبهای که دریا را می پوشاند. (۳)

۱- "به عصای دهان و نفخه لبها" کنایه از اینست که بوسیله بیانات و آیات شریعت خود را پیشرفت میدهد نه با شمشیر و خشونت و قتال. چنانچه حضرت بهاءالله در مناجاتی میفرماید: "... به حرکت قلم امر میرمت را نصرت فرمودی و اولیا را راه نمودی..."

۲- در این آیات زیستن حیوانات درنده و اهلی با هم اشاره است به مردمی است که قبل از ایمان دشمن یکدیگر بودند.

۳- تورات ، اشعیا ۱۱- ۱/۹

و در اشعیا باب بیست و پنجم ظهور جدید و مظهر الهی را به آمدن خداوند تعبیر نموده می فرماید:

" در آن روز خواهند گفت: اینک این خدای ما است که منتظر او بوده ایم و ما را نجات خواهد داد. این خداوند است که منتظر او بوده ایم، پس از نجات او مسرور و شادمان خواهیم شد. زیرا که دست خداوند بر این کوه قرار خواهد گرفت" (۱)

و در باره این ایام و ظهور کلی الهی صریحاً در باب ۶۲، ۶۰، ۵۹، ۵۲، ۴۰، ۳۵، ۹، ۲ - نیز بشارت داده شده است. و نیز در باب ۱۲ دانیال نبی و کتاب یوئیل نبی بشارت داده اند و منظور از خدا مظهر الهی یعنی نماینده خداوند بر روی زمین است نه ذات باری تعالی که غیب منیع و لا یدرک است.

عاموس نبی می فرماید:

" ای اسرائیل خویشتن را مهیا ساز تا با خدای خود ملاقات نمائی" (۲)

در کتاب ذکرای نبی باب اول و دوم و ششم و هشتم و ملاکی باب ۳ نیز بشاراتی برای موعود جدید موجود است.

و اشعیای نبی می فرماید:

((اینک تاریکی جهان را و ظلمت غلیظ طوائف را خواهد پوشانید. اما خداوند بر تو طلوع خواهد نمود و جلال وی (۳) بر تو ظاهر خواهد شد)) (۴)

حضرت زردشت نیز به دو ظهور اعظم به نام هوشیدر یعنی مرد دانا و سیوشانس به معنی سود رساننده عظیم به جهان که او را شاه بهرام ورجاوند گویند یعنی نور و روشنائی بشارت داده که به ظهورشان جهان تجدید شود و عدل عالم را احاطه کند و بغضا در بین بشر زائل گردد و جمیع بشر یک خاندان شوند. (۵)

۱- تورات، اشعیا ۹/۲۵ ۲- تورات، عاموس ۱۲/۴ ۳- تورات، اشعیا ۲/۶۰

۴- جلال خداوند ترجمه فارسی بهاء الله میباشد (۵) کتاب محبوب عالم ص ۱۱۴ ص ۱۱۸ نقل از اساتیر و گاتها

بشارات انجیل جلیل

حضرت مسیح نیز علاوه بر بشارت بازگشت خود وعده ها و مژده ها داده است. از

جمله می فرماید:

" بعد از این بسیار با شما نخواهم گفت زیرا که رئیس این جهان میآید " (۱)

و نیز می فرماید: "مرا گوسفندان دیگر است باید آنها را

نیز بیاورم ، يك گله و يك شبان خواهند شد." (۲)

و نیز می فرماید: " من به شما راست می گویم که رفتن من

برای شما مفید است زیرا که اگر بروم تسلی دهنده

نزد شما نخواهد آمد اما اگر بروم او را نزد شما می

فرستم و چون او آید جهان را بر گناه و عدالت و

داوری ملزم خواهد نمود. " (۳)

و نیز می فرماید:

" وبسیار چیزهای دیگر نیز دارم به شما بگویم لکن

الآن طاقت تحمل آنها را ندارید و لکن چون او یعنی

روح راستی آید شما را به جمیع راستی هدایت خواهد

کرد. زیرا که از خود تکلم نمی کند بلکه به آنچه

شنیده است سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما

خبر خواهد داد، او مرا جلال خواهد داد، " (۴)

و در انجیل متی چنین بشارت داده است:

"اینک خانه شما برای شماویران گذارده می شود. زیرا

به شما می گویم از این پس مرا نخواهید دید تا

بگوئید مبارك است او که به نام خداوند می آید" (۵)

حضرت مسیح وعده بازگشت خود را بشارت داده و برای آن علاماتی را ذکر

فرموده از جمله: "خورشید تاریک گردد و ماه نور خود را

باز گیرد و ستارگان از آسمان فروریزند و قوای افلاک

متزلزل خواهد گشت. آنگاه پسر انسان را بینند که

با قوت و جلال عظیم بر ابرها میآید در آنوقت

فرشتگان خود را از جهات اربعه از انتهای زمین تا

به اقصای فلک فراهم خواهد آورد." (۶)

۱- انجیل یوحنا ۱۴/۳۰ ۲- ایضاً ۱۷/۱۶ و ۱۶ ۳- ایضاً ۷/۱۶ ۴- ایضاً ۱۳/۱۳ و ۱۲ ۵- انجیل متی ۲۳/۳۹

۶- انجیل مرقس ۱۳/۲۷-۲۵

شبهه این علامت ها در قرآن هم برای قیامت ذکر شده مانند: " **إذا الشمس كورت و إذا النجوم انكدرت** " (۱) یعنی آنگاه که آفتاب در هم پیچیده شود و ستاره ها فرو ریزند. - از متشابهات و علامات ظهور و بازگشت مسیح می باشد و تأویل آنها در کتاب مستطاب ایقان و کتاب بیان مشروحاً بیان شده است. و آیه شریفه قرآن در سوره بقره اشاره به همین بشارات انجیل می باشد که می فرماید: " **هل ينظرون إلا أن يأتيهم الله في ظلل من الغمام والملئكة وقضي الأمر و الي الله ترجع الأمور** " (۲) یعنی: آیا انتظار می برند مگر آنکه آید ایشان را خداوند در سایبانهایی از ابر با فرشتگان؟ و امر انجام یابد و کارها به خدا باز گردانیده شود. و علمای اعلام و فقها و مفسرین قرآن چون به معنی این آیه و مرجع آن توجه نداشتند (**يأتيهم الله**)) که به معنی آمدن مظهر الهی است، آن را عذاب خدا ترجمه کرده اند و بعضی آمدن خدا در قیامت پنداشته اند. در کشف الاسرار نوشته شده است: " **يعني كه الله آيد و جو كي فرشتگان با وي** " (۳) یعنی گروهی فرشته با او هستند.

پایان جنگها و امر صلح

حضرت مسیح با اینکه فرمود: "خوشا به حال صلح کنندگان زیرا ایشان پسران خدا خوانده خواهند شد" (۱) نیز فرمود: "گمان مبرید که آمده ام تا صلح را بر زمین بگذارم نیامده ام تا صلح را بگذارم بلکه شمشیر را" (۲)

و در اسلام نیز جنگ و قتال و جهاد یکی از اوامر و نصوص کتاب الهی بوده مانند: "و قاتلوا فی سبیل اللّٰه" (۳) و در جمیع ایام گذشته بین ادیان جنگ و قتال ادامه داشته و دارد.

اما در دیانت بهائی حضرت بهاءالله می فرماید: "۰۰۰ نزاع و جدال را نهی فرمود نهیاً عظیمی فی الکتاب هذا امر اللّٰه فی هذا الظهور الاعظم و عصمه من حکم المحو و زینه بطراز الاثبات انّه هوالعلیم الحکیم" (۴) مضمون: جنگ و خونریزی را نهی عظیم فرمود در کتاب. این فرمان خداوند است در این ظهور اعظم و حفظ کرد آنها را از محو و منسوخ شدن و زینت داد آنها را به زیور اثبات و پایداری. (۵) با این حکم جنگ و جدال از جمله جنگ مذهبی در دیانت بهائی نهی و منسوخ گردید.

حضرت بهاءالله همچنین میفرمایند: "فساد و نزاع شأن سباع ارض است نه شأن انسان. شأن انسان لم یزل و لا یزال شفقت و عنایت بوده و خواهد بود" (۶)

۱- انجیل متی ۹/۵ ۲- ایضاً ۳۴/۱۰ ۳- قرآن ۲/۲۴۵ ۴- لوح عهدی ۵- این بیان حضرت بهاءالله آیه ۳۹ سوره رعد قرآن را گوشزد میسازد که میفرماید: یحواله ما یشاء و یتثبت و عنده امّ الکتاب. یعنی محو میسازد خداوند آنچه را که اراده کند و ثابت میدارد و نزد اوست مادر یا اصل کتابها. ۶- آثار قلم اعلی جلد ۷

در لوح بشارات حضرت بهاء الله می فرمایند:

"یا اهل ارض ، بشارت اول که از اُمّ الکتاب در این ظهور اعظم به
 جمیع اهل عالم عنایت شد محو حکم جهاد است از کتاب ، تعالی الکرم
 ذوالفضل العظیم الذی به فتح باب الفضل علی مَنْ فی السّموات
 والارضین • مضمون: خداوند کریم صاحب فضل عظیم ، با این حکم
 باب فضل را بر اهل عالم گشود."

متأسفانه جنگ مذهبی ، مانند بیماری طاعون بر جامعه بشری مستولی گردیده است
 و هنوز ادامه دارد.

برای رفع این بیماری حضرت بهاء الله در کتاب بشارات - بشارت دوم می فرمایند:

"اذن داده شد احزاب عالم با یکدیگر به روح و ریحان معاشرت
 نمایند. عاشروا یا قوم مع الأديان کلّها بالروح و الریحان کذاک اشرق
 نیرالأذن و الاراده من افق سماء امرالله رب العالمین " مضمون: ای
 قوم با جمیع ادیان به راحتی و شادمانی معاشرت کنید، آفتاب اراده الهی از آسمان
 امر خداوند عالمیان اینچنین اشراق فرمود •

و در بشارت سیزدهم میفرمایند: "سبب حزن مشوید تا چه رسد به فساد و
 نزاع. امید هست در ظلّ سدره عنایت الهی تربیت شوید و بما اراده الله
 عامل گردید. همه اوراق یک شجرید و قطره های یک بحر."

برای وصول به صلح حضرت بهاء الله اهل عالم را اینگونه توصیه فرموده اند:

"لأبد بر این است که مجمع بزرگی در ارض برپا شود و ملوک و سلاطین در آن مجمع مفاوضه در صلح اکبر نمایند و آن این است که دول عظیمه برای آسایش عالم به صلح محکم متشبث شوند و اگر ملکی بر ملکی برخیزد جمیع متفقاً بر منع قیام نمایند، در این صورت عالم محتاج مهمات حربیه و صفوف عسکریه نبوده و نیست الاعلی قدر یحفظون به ممالکهم و بلدانهم • این است سبب آسایش دولت و رعیت و مملکت. " (۱)

به نظر بنده سازمان ملل یکی از مقدمات این موضوع است که در آینده قدرت عملی و اجرائی بیشتر پیدا خواهد کرد •

حضرت بهاء الله خطاب به ملوک (سران کشورها) فرموده اند:

"قَلِّلُوا فِي الْعَسَاكِرِ لِيَقَلَّ مَصَارِفُكُمْ وَ تَكُونَنَّ مِنَ الْمُسْتَرِيحِينَ وَ أَنْ تَرْتَفِعُوا لِاخْتِلَافِ بَيْنِكُمْ لَنْ تَحْتَا جِوَالِي كَثْرَةِ الْجِيُوشِ إِلَّا عَلَى قَدْرِ الَّذِي تَحْرُسُونَ بِهَا بِلَدَانِكُمْ وَ مَمَالِكِكُمْ اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تَسْرِفُوا فِي شَيْءٍ وَ لَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُسْرِفِينَ وَ عَلِمْنَا بِأَنَّكُمْ تَزِدَادُونَ مَصَارِفَكُمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ تَحْمِلُونَهَا عَلَى الرِّعْيَةِ وَ هَذَا فَوْقَ طَاقَتِهِمْ وَ أَنْ هَذَا الظُّلْمُ عَظِيمٌ " (۲)

به تقلیل لشکر و کاستن وسائل جنگ توصیه شده است • مضمون بیان اینست :

لشکریان خود را کم کنید تا مخارجتان کم شود تا به راحت زندگی کنید
و اگر میانتان اختلافی پیدا شد نیازی به زیادی لشکر نیست ، مگر به اندازه ای که در
شهرهای خود امنیت برقرار کنید • از خدا بترسید و اسراف نکنید • اطلاع یافتیم شما
هر روز بر مخارج خود می افزائید و بر مردم تحمیل میکنید و این فوق توانائی آنان
می باشد و ستمی بزرگ است •

بشارات قرآن مجید

در شریعت اسلام نیز در قرآن کریم و اخبار و احادیث موثق و معتبر، بشارت به یوم الله و آمدن ربّ و ظهور قائم آل محمد یا مهدی موعود و بازگشت مسیح داده شده و مسلمانان نیز مانند سایر ادیان دیگر در انتظار آن یوم مبارکند که دنیای پر از ظلم و جور، پر از عدل و داد شود. مثلاً در سوره ابراهیم می فرماید: " لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ أَنْ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ . " (۱) می فرماید: ما موسی را با آیاتمان فرستادیم تا مردم را از تاریکی جهل به نور ایمان درآورد و آنان را به روزهای خدا متذکر دارد. برای هر شکوایی و شکرگزاری در آن روز آیات و نشانه هائی است. و نیز می فرماید: () و هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ قُضِيَ الْأَمْرُ وَاللَّهُ ثَرْجِعُ الْأُمُورِ (۲) یعنی: آیا انتظار می برند مگر اینکه خداوند و فرشتگان در سایه بانهای ابر ایشان را آید، و امر گذارده گردد و به خدا کارها برگردانیده شود. هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ " (۳) یعنی: آیا انتظار می برند مگر آنکه آید ایشان را ملائکه یا بیاید پروردگار تو یا بیاید بعضی از آیات پروردگارت. و در سوره مطففین در تائید آمدن پروردگار می فرماید: "يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ" (۴) یعنی: روزی که مردم بایستند برای (امر) پروردگار عالمیان و این آمدن ربّ، مقصود مظهر الهی و مربی عالم انسانی است نه ذات غیب منیع پروردگار که هرگز دیده نمیشود.

و در آیه " لِيُظْهَرُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ " که در قرآن در سه سوره توبه ۹ / ۳۴ و فتح ۴۸ / ۲۸ و صف ۶۱ / ۹ تکرار شده است. و در حدیث پیامبر نقل شده که در باره بازگشت مسیح است و در متن ذکر شده است.

شاید لسان الغیب حافظ شیرازی نیز با توجّه به این بشارات گفته است:

مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید که ز انفاس خوشش بوی کسی می آید
از غم و درد مکن ناله و فریاد که دوش زده ام فالی و فریاد رسی می آید

و نظامی در باره این انتظار و بشارات در مخزن الاسرارش (ص ۱۷) گفته است:

ای مدنی برقع و مگی نقاب (۱)	سایه نشین چند بود آفتاب
گر مَهی از مهر تو موئی بیار	ور گلی از باغ تو بوئی بیار
منتظران را به لب آمد نفس	ای ز تو فریاد به فریاد رس
سوی عجم ران منشین در عرب	زرده (۲) روز اینک و شب دیز (۳) شب
ملک بر آرای و جهان تازه کن	هر دو جهان را پر از آوازه کن
سگه تو زن تا اُمرا گم زنند	خطبه تو کن تا خطبا دم زنند
باز کش این مسند از آسودگان	غسل ده این منبر از آلودگان
خانه غولند پردازشان	در غله دانِ عدم اندازشان
ما همه جسمیم بیا جان تو باش	ما همه موریم سلیمان تو باش
پانصد و هفتاد بس ایام خواب	روز بلند است به مجلس شتاب
خیز و بفرمای سرافیل را	باد دمیدن دو سه قنديل را
مغز نظامی که خبر جوی تُست	زنده دل از غالیه بوی تُست

در بیت پانصد و هفتاد بس ایام خواب ۰۰۰ " شاید به قرآن و حدیثی که در باره آنست
اشاره شده ۰ در سوره اعراف آمده " لِكُلِّ اُمَّةٍ اَجَلٌ فَاِذَا جَاءَ اَجَلُهُمْ لَا يَسْتَاخِرُونَ
سَاعَةً و لَا يَسْتَقْدِرُونَ " (۴)

۱ - اشاره به مهدی موعود است که از سلاله پیغمبر اسلام است ۲ - زرده = اسب زرد رنگ (کنایه از روز)

۳ - شب دیز = اسب سیاه (کنایه از شب) ۴ - قرآن ۳۳/۷ اعراف

یعنی: برای هر امتی مدتی مقرر است و هنگامی که اجل آنها رسید، ساعتی پس و پیش نخواهد شد.

پس از نزول این آیه، اصحاب از رسول خدا مدت و اجل امت اسلام را پرسیدند، پیامبر فرمود:

" **إِنْ صَلَّحْتَ أُمَّتِي يَوْمٌ وَانْ فَسَدَتْ نِصْفُ يَوْمٍ وَ الْيَوْمَ عِنْدَ رَبِّكَ الْفَ سَنَةٌ مِمَّا تَعْدُونَ** " (۱) یعنی اگر امت من نیکوکار بودند، مدتشان یک روز و اگر بدکار و فاسد شدند، نصف روز و یکروز در نزد خدا هزار سال است از آنچه شما می شمارید.

و در سوره های دیگر قرآن مانند سجده و اعراف و یونس نیز در این موضوع اشاره شده است. و در سوره حج نیز می فرماید:

" **إِنْ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعْدُونَ** " (۲) یک روز نزد پروردگارت هزار سال است از آنچه شما می شمارید و در سوره سجده نیز مدت امر خدا را که دین اوست به صراحت هزار سال معین فرموده است. " **يُدْبِرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعْدُونَ** " (۳) یعنی: خداوند امر خود را (که شریعت خداست) از آسمان (آسمان مشیتش) بسوی زمین تدبیر می فرماید سپس عروج میکند بسوی او در مدت یک روز که مقدارش هزار سال است به شمارش شما.

خداوند به پاس نیکوکاران اسلام، مدت آن را یک روز تمام یعنی هزار سال تمديد نمود و توجه به بدکاران و اهل فساد و تباهی نفرمود. به قول ملک الشعرای بهار:

گرچه ز جور خلفا سوختیم ز آل علی معرفت آموختیم

۱-بشارات کتب مقدسه تالیف حسام نقبایی ص ۵۰ نقل از کتاب النجم الثاقب ص ۸۷ و الجواهر و الیواقیت - ص ۶۵ سید

عبد الوهاب و کتاب فتوحات مکیه باب الخامس جلد ۱ ص ۱۰۹

۲-قرآن ۴۶/۲۲ الحج ۳-ایضاً ۴/۳۲ سجده

شیخ عطار نیز اشاره به روز خدا گفته است:

ولیکن روز دین سالی هزار است	بدان ترتیب عالم را مدار است
چو گردد شش هزار از سال آخر	شود قائم مقام خلق ظاهر
بود شش روز دور شش پیامبر	مرا تعلیم قرآن گشت یاور (۱)

در تفسیر جلالین که به وسیله دو عالم مشهور مصری جلال الدین محلی و جلال الدین سیوطی در قرن هشتم هجری نوشته شده و در سال ۱۹۹۳ در بیروت تجدید چاپ شده است در ذیل آیه ۴ سوره سجده در باره الف سنه نوشته است: " مدة الدنيا -- هي كما ورد سبعة الاف سنة و بعث رسول الله في ا لالف السادس و مدة امة تزيد علي الالف سنة ولا تبلغ زياده عليها خمس مائة سنة كما ذكره السيوطي في الكشف عن مجاوزة هذه الامة الالف و هذا احدا قوال تقدمت " یعنی: مدت دنیا بطوریکه روایت شده هفت هزار سال است و حضرت رسول اکرم در هزاره ششم مبعوث شد و مدت اُمّتش از هزار سال به هزار و پانصد نمی رسد همانگونه که سیوطی (یکی از مفسرین مشهور است) در کتاب کشف خود، مدت اُمّت را هزار سال ذکر نموده است *

اینکه مدت دنیا را هفت هزار سال گفته است، مقصود دنیای دین است نه خلقت عالم * چنانچه شیخ عطار نیز به آن اشاره نموده است و از آدم شروع شده و قبلاً ذکر شده است:

نخستین این ندا در داد آدم بگسترد او شریعت را به عالم

حضرت عبدالبهاء در مکاتیب (۲) در باره خلقت روحانی آدم فرموده اند:

" اما قضیه ابوالبشر حضرت آدم که در کتب مقدسه مذکور، تأویل دارد و تفسیر خواهد * مقصد از ایجاد خلقت روحانی است و وجود

رحمانی و الا اگر اندک ملاحظه ای شود اطفال نیز ادراک کنند که این کون نامتناهی جهان هستی این وجود بی پایان این دستگاه عظیم این کارخانه قدرت قدیم شش هزار ساله نیست بسیار پیش از این است" (۱)

در کتب زردشتیان نیز بشارت به آمدن سوشیانس و هوشیدر صریحاً اشاره شده است و در برابر این بشارات کتب مقدسه حضرت بهاء الله فرموده اند:

"میقات اُمم منقضی شد. وعده های الهی که در کتب مقدسه مذکور است جمیع ظاهر گشت" (۲)۰

تأمل و تفکر در چند آیه قرآن مجید برای اهل تحقیق

شواهد و آیاتی در کتب مقدّسه وجود دارد که برای شخص محقق بی غرض و منصف و مومن به کتاب آسمانی بهترین راهنماست که می تواند به وسیله آن آیات ، مدعی صادق را از کاذب تشخیص دهد .

۱ - ادعای پیامبر و اظهار ماموریت خود و آوردن تعالیم و آیاتی حیاتبخش که نسبتش را به خدا می دهد .

۲ - تائید آن به وسیله خداوند با پیشرفت آن و اقبال گروهی از مردم با همه دشمنی ها و مخالفت ها .

در تورات می فرماید : " و اما نبیئی که جسارت نموده به اسم من سخن گوید که به گفتنش امر فرمودم یا به اسم خدایان غیر سخن گوید ، آن نی البته کشته شود " (۱) - یعنی پیشرفت نخواهد کرد ولو چون حضرت مسیح جسماً کشته شود . مضمون این آیه در قرآن کریم تکرار و تائید شده می فرماید :

" وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ " (۲) در باره پیامبر می فرماید اگر سخنانی به دروغ به ما نسبت دهد به دست راست قدرت خود او را اخذ و رگ حیاتش را قطع خواهیم کرد و احدی از شما نمی تواند مانع گردد . " وَ إِنَّهُ لَنَذْكُرُهُ لِلْمُتَّقِينَ " و آن پندیرست برای پرهیزکاران .

حضرت مسیح نیز در انجیل جلیل می فرماید :

" هر نهالی که پدر آسمانی من نکاشته باشد کنده شود . " (۳)

۳- انجیل متی ۱۳/۱۵

۲- قرآن ۴۵-۴۸/۶۹ سوره حاقه

۱- تورات سفر تثئیه ۲۰/۱۸

اصلها ثابت و فرعها فی السماء ۳۰
توئی ا کُلها کل حین ۰۰۰ و مثل کلمه خبیثه کَشَجَره خبیثه اجبُثت من فوق
الارض مالها من قرار. " (۱) یعنی: آیانمی بینی که خداوند چگونه مثل زد،
کلمه پاکیزه چون درخت پاکیزه ایست که ریشه آن ثابت است و شاخه هایش در
آسمان، میوه هایش در هر زمان به اذن پروردگار داده می شود. (شجره شریعت است و
میوه آن آیات حیات بخش آن است که در هر زمان آماده است) و مثل کلمه پلید چون
درخت پلیدیست که از روی زمین ریشه کن شده و برای آن قرار و دوامی نیست. (و
میوه آن جز قتل و مردم آزاری و فساد نیست).

نظیر این استدلال را حضرت رسول اکرم در قرآن کریم چنین ذکر فرموده است:

خداوند

می فرماید به آنان بگو: شهادت خدا بین من و شما کافی است و کسی که دانش کتاب نزدش باشد، یعنی بشارات هر ظهوری در کتاب قبل ذکر شده، خوانندگان کتاب اگر تعصّب و غرض نداشته باشند می توانند مورد توجّه قرار دهند.

و در سوره اسرا این مضمون چنین تاکید شده است: " **قُلْ كَفِيَ بِاللّٰهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ اِنَّهٗ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا** " (۱) یعنی، شهادت خداوند بین من و شما کافی است. او نسبت به بندگانش آگاه و بیناست.

مولوی در این باره فرموده:

گر دو صد ابله ترا تهمت نهد حق برای تو گواهی می دهد (۲)

و از نظر اهمیت موضوع که خداوند همواره بر امور ناظر و آگاه است. این مطلب در سوره انعام تکرار شده و می فرماید: " **قُلْ اَيُّ شَيْءٍ اَكْبَرُ شَهَادَةً قُلْ اللّٰهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاُوْحِيَ اِلَيَّ هَٰذَا الْقُرْآنُ لِاَتْلُوْهُ رَكْمًا** به " (۳) یعنی: بگو چه چیزی بزرگتر از گواهی خداست؟ بگو: خداوند گواه است بین من و شما و این قرآن را وحی فرستاد تا به وسیله آن شما را بیم دهم. و دلیل گواهی و رضایت این است که خداوند در همه حال او را حفظ و یاری نمود و امرش انتشار یافت و دشمنان مغلوب گشتند.

این کیفیت شهادت و رضایت و تائید الهی را در دیانت بهائی می توان مشاهده کرد که با همه مخالفت های شدید دشمنان، به پیشرفت امر خود توفیق یافتند، با این تفاوت که در دیانت اسلام نیروی شمشیر و آیه سیف بیاری پیامبر اضافه شد که موفقیتی یافت چنانچه در مکه سیزده سال با ملایمت و مسالمت کاری از پیش نبرد. حتی دشمنان برای کشتنش مصمم گردیدند و بالاجبار مهاجرت به مدینه فرمود. اما دیانت بهائی حکم سیف را منسوخ نمود و بجای آن نیروی شفقت و بیان را مقرر و معین نمود. و با همین قدرت لسان بر دشمنان غالب گردید و امر جهانی خود را در سراسر عالم وسعت بخشیده و ادامه دارد.

وجه مشترک دیگر انبیا این است که حضرت مسیح فرمود:

" نبیّی بی حرمت نباشد مگر در وطن و خانه خویش " (۱) و در انجیل یوحنا به تأکید فرمود: " عیسی شهادت داد که هیچ نبیّی را در وطن خود حرمت نیست " (۲)

رفتار مردم مکه با پیامبر اسلام و رفتار مردم شیراز و ایران با حضرت باب و رفتار مردم ایران با حضرت بهاء الله مصداق آنست *

از آیات دیگر قرآن که برای محقق بی غرض، راهنمای خوبیست که دین حق را بشناسد در سوره شوری نازل و این آیه و این سوره در مکه نازل گردیده هنگامیکه تعداد مسلمانان اندک و از فقرای قوم بودند: " وَالَّذِينَ يَحِاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتَجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَهُ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ " (۳) یعنی: آنانکه خصومت و محاجّه می کنند در امر و شریعت خدا بعد از آنکه اجابت کرده شد یعنی عده ای گرویدند حجت ایشان باطل است و بر ایشان غضب و عذابی شدید است * و اکنون میلیون ها نفوس از هر نژاد و ملت از هر طبقه و مقام در سراسر جهان بدون نیروی شمشیر با کمال میل به دیانت بهائی گرویده اند * محاجه و دشمنی مخالفین طبق این آیه باطل است *

در سوره رعد آیات و شریعت الهی به باران تشبیه شده که از آسمان رحمت الهی نازل می گردد و سیلی ایجاد می کند * آنگاه می فرماید:

" كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ " (۴) - یعنی: همچنین خداوند مثل می زند، حق و باطل را، اما - کف - باطل است و از بین میرود و آنچه برای مردم سودمند باشد در زمین درنگ می کند * اینگونه خداوند مثلها را ذکر می کند *

این مضمون در سوره الاسرا اینگونه بیان شده است: " قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا " (۵)

بگو حق آمد و باطل ناچیز و بی ارزش گردید، بدرستی که باطل از بین رونده و نابود شدنی است، و نیز طبق آیه شریفه " **ان رَبَّكَ هُوَ اعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ اعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ** " (۱) - که خطاب به پیامبر می فرماید: پروردگار تو بهتر میداند که چه کسی از راه او گمراه می باشد و نیز بهتر از همه، راه یافتگان را می داند، یعنی مردم نباید حکم بر گمراهی و هدایت نفوس کنند، بلکه ناظر به اعمال و اخلاق افراد باشند، زیرا رفتار اشخاص نشانه ایمان است نه ادّعای صِرف، و ایمان حالتی است در قلب و اندیشه پنهان و درستی آن را خدا می داند.

و نیز اساس و هدف از دین اخلاق نیک است، چنانکه رسول اکرم فرمود: " **بِعِثْتُ لَا تُم مَكَارِمَ الْاِخْلَاقِ** ". یعنی، هدف از رسالت و برانگیخته شدن من آنست که اخلاق های نیک را در مردم ایجاد کنم، و همه عبادات و رسوم مذهبی برای تکامل اخلاق است و اگر کسی عاری از اخلاق انسانی باشد، عبادات او ولو اینکه شب و روز ترک نشود جوی نیرزد، مولوی علیه الرحمه نیکو فرموده است:

بچه بیرون آر از بیضه نماز سر مزن چون مرغ بی تعظیم و ساز (۲)
از نماز باید نتیجه معنوی و اخلاقی گرفت نه چون مرغ بدون شرایط نماز سر بر زمین زد.

ثمره هر شریعتی، خلق انسان های جدیدی است که آراسته به صفات عالی اخلاقی باشند و در تعالیم حضرت بهاء الله مسائل اخلاقی بسیار توصیه و تأکید شده و بهائیان در هر کشور ساکن بوده اند دولت و مردم منصف آن کشور، بر فضائل اخلاقی آنان شهادت داده اند، اما مخالفان چون نتوانسته اند این کیفیت را انکار کنند، بعضی گفته اند تظاهر به اخلاق نیک می کنند، این دیگر قضاوتش با خدا است زیرا که او داناتر به حقایق امور و خفایای قلوب است.